

تأثیر اشعار شهریار بر ادب فارسی معاصر

صدیقه ستوده‌نیا کرانی^۱

اعظم محمدی‌پور سعادت آبادی^۲

چکیده

شعر شهریار مجموعه‌ای هماهنگ و دلکش از رنگ و صوت و زندگی است که هر دم و بازدم ضرباهنگ دلها را تکرار می‌کند؛ وی با زبان و نگاهی ویژه در انواع و قالب‌های مختلف شعر سنتی سخن پردازي کرده است؛ آثار او در هر نوع و قالبی، هم از نظر قوت و کیفیت و هم از نظر کمیت در خور توجه است؛ یکی از بزرگترین خدمات شهریار و دیگر همراهان او ایجاد تحوّل در عرصه غزل فارسی است، جریان پویایی که امروز با عنوان «غزل نو» به موازات شعر نو به حیات خود ادامه می‌دهد؛ در همین راستا مکتب شهریار با منظومه‌ها و قطعات نوشکل گرفت. شعرهای این مکتب بیشتر از آنکه به اعتبار قالب و فرم ظاهری شناخته شوند، با رمانتیسم قالب تمایز و تشخیص می‌یابند. منظومه «حیدر بابایه سلام»، که از نخستین اشعار شهریار به زبان مادری است، به زبانی روان و رسا سروده شده است. برداشتگاه زبانی این منظومه، زبان زنده و رایج روستاهای آذربایجان می‌باشد. بر خلاف حیدر بابا، در سهندیه شاعر به زبان ادبی می‌گراید. شاید بتوان سهندیه را اوج هنر شهریار در زبان مادری اش دانست.

کلید واژه‌ها:

شهریار، شعر ترکی، غزل، رمانتیسم

^۱ - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان - ایران.

^۲ - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان - ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۱۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۲/۰۴

مقدمه

شهریار شاعر بلند نظر جاودانه‌ای بود که دل‌های مشتاقان را در کمند کلام خویش کرد و کلام سحرآمیزش مرزها را در نوردید. شهریار سیمرغی فراتر از قاف و قافیه بود که زندگی و جهان را با شعر می‌نگریست. کدامین مسلمان و دوستدار علی است که بوی عشق و محبت را از کلمه کلمه منظومه‌های «علی ای همای رحمت» و «شب و علی» دریابد. عذوبت کلامش بی‌نیاز از تفسیر و تبیین است و قولی است که جملگی برآند. توضیح ارزش کلامش همچون قیاس دریا و قطره است اما نکته‌ای که در زندگی ادبی شهریار ملک سخن اهمیت بسیار دارد و کمتر به آن توجه شده، این است که شهریار به اعتباری «شاعر ملی ایران» و یکی از شاعران عصر انقلاب اسلامی است، به همین خاطر این افتخار برای تبریز است که هر سال در بیست و هفتم شهریور ماه با گرامیداشت استاد شهریار فرصتی مغتنم برای بررسی شعر معاصر کشورمان فراهم آمده است تا جای خالی توجه به این عالی‌ترین و ناب‌ترین وجه کلام، یعنی شعر در تقویم فعالیت‌های فرهنگی سالانه و نام عزیزش برکت یابد.

یکی از بزرگترین خدمات شهریار، ایجاد تحول در عرصه غزل فارسی است. جریان پویایی که امروزه با عنوان «غزل نو» به موازات شعر نو به حیاط خود ادامه می‌دهد، در واقع با غزل‌های نو آیین استاد آغاز شده است؛ از همین روی شهریار را می‌توان پس از دوره بازگشت و دوره مشروطیت احیاگر غزل فارسی و نیز پدر غزل نو دانست. رویکرد ویژه شهریار به غزل، باعث شد غزل دیگر باره به عنوان پویاترین گونه شعر فارسی جایگاه خود را در اذهان و انظار باز یابد. ویژگی مهم دیگری که باید بر سلسله عوامل بر شمرده بیفزاییم ایمان و اعتقاد راسخ شاعر است که از محدوده زندگی فردی او فراتر رفته و در تشکّل شخصیت و حیات ادبی‌اش تأثیر بسیار گذاشته است. استاد شهریار هم در زندگی شخصی انسانی مؤمن و معتقد بود، هم در مصاحبه‌ها و نظرات خود.

شهریار از آغاز به مذهب توجه خاصی داشت و هم یکی از ارکان شعر مذهبی است که در این زمینه آثار بسیاری دارد؛ در کنار ابعاد مختلف خلاقیت استاد، و نیز چهره‌های گوناگونی که از این شاعر پراوازه پارسی گوی آذری زبان مشرق زمین ارائه شد، او به عنوان یک شاعر

مذهبی سرای بزرگ شناخته شده است. شعرهایی چون مناجات، شب و علی و برخی از اشعار مذهبی دیگر او در ردیف دلاویزترین سروده‌های عصر ما جای دارند. هم‌صدایی شه‌ریار با انقلاب اسلامی هم، منبعث از افکار و اعتقادات مذهبی او بود. استاد از نخستین روزهای انقلاب تا واپسین لحظات زندگی اش همواره شعور انقلابی را در شور شعر درآمیخت، گویی جان مشتاق شه‌ریار گوهر گمشده‌اش را در این نهضت یافته بود. موطن و مولد و آرام‌جای این شاعر تبریز «دارالسلام شعر و ادب» است که همچون ستاره‌های درخشان بر تارک آسمان ایران عزیز می‌درخشد.

ویژگی‌های زبان شناختی

منظومه «حیدر بابایه سلام»، که از نخستین اشعار شه‌ریار به زبان مادری ایشان است، به شکلی روان و رسا سروده شده است. برداشتگاه زبانی این منظومه، زبان زنده و رایج روستاهای آذربایجان است. شاعر در سال ۱۳۲۹ در حالی منظومه حیدر بابا را آغاز کرد، که دیگر به شناخته‌ترین چهره شعر پارسی تبدیل شده بود. او در سرودن حیدر بابا به زبان مردم و شعر شفاهی آذربایجان روی کرد. شه‌ریار با اینکه تا زمان سرودن جلد نخست حیدر بابا، شاعری پارسی گو شناخته می‌شد، اما این بدان معنا نیست که با آثار شاعران ترکی گو آشنا نبود. او در همان سال‌های کودکی با اشعار میرزا علی‌اکبر «صابر»، شاعر طنز پرداز قفقاز، آشنا شد و بعدها نیز به غور و مطالعه در آثار بزرگانی چون مولانا محمد فضولی، حاج رضا صراف تبریزی، حکیم لعلی و... پرداخت؛ او هنگام بحث درباره مکتب‌های محلی در شعر ایران، از شاعران ترکی گویی چون میرزا عبدالحسین خازن، حاج رضا صراف تبریزی، حکیم لعلی، بهار شیروانی و عباسعلی مظهر به عنوان نوابغ ادبی یاد می‌کند. با این همه، شه‌ریار در حیدر بابا آگاهانه راهی دیگر را برمی‌گزیند، زبان حیدر بابا دیگر زبان فخیم و فاخر غزل پردازان ترکی گو نیست، بلکه زبانی ساده و همه فهم می‌باشد. توجه شاعر به آثار شاعران ترکی گوی آذربایجان را به روشنی درمی‌یابیم. نکته مهم دیگری که نباید از نظر دور داشت تناسب میان حیدر بابا با مضمون و محتوای آن می‌باشد. حیدر بابا منظومه‌ای درباره طبیعت و روستا است. در چنین اثری بهره‌گیری از زبانی فاخر و فخیم چندان درست به نظر نمی‌رسد. بویژه آنکه زبانی ادبی و فاخر ترکی در گذشته بیشتر در سرودن غزل‌های عرفانی و عاطفی درخشیده بود، تا در وصف طبیعت و یا

حماسه پردازی. براساس رویکرد شاعر، حیدربابا به یک زبان ساده و صمیمی - زبانی به سادگی و صمیمیت همان روستانشینان دامنه کوه حیدربابا - نشان از گزینشی دقیق و آگاهانه دارد. (زهری، ۱۳۷۳: ۲۱۳)

شهریار شاعر شوریده‌ای است که به رمز و راز واژه‌ها آگاه است؛ او با کشف قرابت پنهانی واژه‌ها، می‌کوشد زبان شعرش را در عین همه فهم بودن به جایگاهی فراتر ارتقاء دهد، و اینگونه است که نخستین منظومه ترکی او با اقبال خاص و عام مواجه می‌شود. کوشش ده‌ها شاعر برای سروده نظیره‌ایی بر حیدربابا، خود ناشی از آن است که در برخورد نخست حیدربابا را اثری ساده و سهل می‌یابند، اما می‌بینیم که این شباهت‌ها با مقامی که حیدربابا بر آن جای گرفته، فرسنگ‌ها فاصله دارند. بر خلاف حیدر بابا، در سهندیه شاعر به زبان ادبی می‌گراید. شاید بتوان سهندیه را اوج هنر شهریار در زبان مادری اش دانست. این شعر عروضی، سرشار از تصاویر خیال انگیز است. تصویرهای ظریف و زیبای سهندیه، هر چند کار شاعر را در برخورد با تنگنای زبانی دشوار ساخت، اما وی توانسته بدون گرایش به زبانی فخیم و فاخر غزل کلاسیک ترکی، به زبانی برسد که سلاست و جزالت و ویژگی‌های تفکیک‌ناپذیر آنند. سهندیه نمونه موفق امتزاج زبان عامه با زبان ادبی است، به گونه‌ای که پس از این آمیزش دیگر زبان شاعر هویتی تازه پیدا می‌کند. (زاهدی، ۱۳۸۰: ۱۲۱)

شهریار اگر با حیدربابا زبانی ساده، روان و صمیمی را به شعر معاصر ترکی اعطاء می‌کند، با سهندیه نیز زبانی استوار و زیبا را که برای سرودن اشعار غنایی و حماسی شایسته‌تر می‌نماید، به خوبی می‌شناساند. غزل‌های ترکی شهریار، همچون غزل‌های فارسی او، از زبان غزل کهن فاصله می‌گیرند. یکی از نکاتی که امکان بازگشت شاعر به زبان شعر کهن بیشتر بود، غزل‌های اوست. می‌دانیم که شعر قدیم ترکی در ساخت‌های گوناگون، بویژه زبان، به شدت از شعر کهن فارسی متأثر است؛ این تأثیر پذیری (و حتی تقلید) تا روزگار ما در آثار غزل پردازان ترکی گو مشهود و محسوس است. اما شهریاری که مبدع غزلی دیگر گونه در زبان فارسی بود، یارای آن را داشت که در ترکی نیز غزل‌هایی متفاوت و تازه بسراید، با این همه خطوطی ظریف، زبان منظومه حیدربابا، سهندیه و غزل‌های او را هم از هم جدا می‌کند. (مرتضوی، ۱۳۷۴: ۲۱۳)

موضوعات و مضامین

۱- خاطرات کودکی

سفر مادر شاعر (کوکب خانم) به تهران در سال ۱۳۲۵ برای پرستاری از فرزند شیفته آشفته‌اش باعث تجدید خاطرات کودکی شهریار شد. اینگونه بود که او جدی‌تر از گذشته به شعر روی آورد. از آنجا که کودکی شاعر در محیط روستا و در آغوش طبیعت سپری شده بود، طبیعی است که وصف طبیعت و یادکرد روستا و روستاییان در اشعار ترکی وی جایگاهی فراتر داشته باشد. اگر چه استاد شهریار بیشتر در اشعار فارسی خود کمابیش به طبیعت، روستا و خاطرات کودکی‌اش پرداخته بود، اما علاقه شاعر به ترکی گویی سبب شد تا بخش قابل توجهی از آثار ترکی‌اش به این موضوع اختصاص یابد. گرچه در سهندیه و برخی شعرهای دیگر، زیبایی‌های طبیعت آذربایجان، استادانه، بازتابانده شد، اما در هیچ یک از اشعار شهریار، طبیعت، زندگی روستایی و خاطرات کودکی او چون منظومه حیدربابا ممزوج نشده است. «حیدر بابا» دائمة‌المعارفی است مشتمل بر تصاویری از زیبایی‌های طبیعت، آداب و سنن، معرفی اهالی روستا، و خاطره‌ها و... خواننده از همان نخستین بند منظومه خود را در فضای سرشار از صفا و صمیمیت روستا می‌بیند:

حیدر بابا، ایلدیریملار شاخاندا

سنلر، سولار شاققیلدا اییب آخاندا

قیزلار اوناصف باغلا اییب باخاندا

سلام اولسون شوکتیزه، ائلیزه

منیم ده بیر آدیم گل‌سین دیلیزه

حیدربابا کهلیک لرین اوچاندا

کول دیببندن دووشان قالخیب قاچاندا

باغچالارین چیچکله نیب آچاندا

بیزدن ده بیر ممکن اولسا، یادائله

آچیلیمیان اورکلری شادائله

(دیوان ترکی، ۱:۱۳۸۷)

۲- عشق و هجران

شهريار، شاعری است سوته دل، که شکوفایی طبع خود را ماحصل عشقی نافرجام می‌داند؛ در غزل‌های فارسی و ترکی او بیشتر صدای سخن عشق بلند است، البته شاعر بزرگ، عشق مجازی را نقطه عزیمتی می‌بیند برای حرکت به سوی عشقی حقیقی... یا به تعبیر شاعر در قطعه «پروانه و شمع» خود را سوختن و به «خدا» رسیدن. غزل «خاطره بهجت‌آباد» (بهجت‌آباد خاطره‌سی) داستان انتظار شبانه شهريار است برای واپسین دیدار با یار... او در این شعر از طولانی شدن انتظار و نیامدن یار شکوه‌ها می‌کند، و از بیرحمی و بی‌وفایی یار و روزگار...

اولدوز سایاراق گوزله میشم هرگنجه یاری

گنچ گلومه ده دیریار، یننه اولموش گنجه یاری... (همان: ۹۹)

۳- شعرهای سیاسی و اجتماعی

اگر چه استاد شهريار، در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر به عنوان شاعر عشق و تغزل شناخته می‌شد، اما او هرگز در برابرستم‌ها و نامردمی‌ها خاموشی برنگزید. یکی از شگردهای شهريار آن بود که در اشعار غیرسیاسی هم گریزی به مسائل سیاسی و اجتماعی می‌زد و فریاد اعتراض برمی‌آورد. او در شعرهای ترکی اش سرکش‌تر می‌نماید. حتی در منظومه «حیدر بابایه سلام» هم نمی‌تواند ظلم و جور حاکمان وقت را نادیده بگیرد و خطاب به «حیدر بابا» می‌سراید:

حیدر بابا شیطان بی‌زی آزدیریب

محبتی اورکلردن قازدیریب

قره گونون سرنوشتین یاز دیریب

سالیب خلقی بیریری نین جانینا

باریشیغی بلشدیریب قانینا (همان: ۴)

در شعر «مملکت صنعتی» (صنعتی مملکت) که در وزن و قالب حیدر بابا سروده شده است به انتقاد از شرایط سیاسی - اجتماعی پیش از انقلاب می‌پردازد؛ در این شعر از وضعیت اسفناک کشاورزان و روستاییان، فراموش شدن دین و آیین، استعمار، وابستگی، فقر، بیکاری، بیماری،

غرب زدگی، گسترش صنعت مونتاژ به جای تولید ملی، تشکیل بورس، سمینارها و... با طعن و طنزی سیاه انتقاد می‌شود. شاعر در شعر «پسرک نانوا» (شاطر اوغلان) هم به زبانی نمادین و رمزآمیز به انتقاد از وضعیت سیاسی و اجتماعی می‌پردازد:

باغچمیز فاسداولوب، هرگول اکرسن چیخماز

یئری داشلیقدی، گرک توپراقی غریبله نسین (همان: ۱۱۱)

او در اشعار مختلف به موضوعاتی چون امام خمینی (ره)، دفاع مقدس، شهادت، جانبازی، تجلیل از شخصیت‌های انقلابی و مناسبت‌های انقلابی، جهاد علیه امپریالیسم و صهیونیسم پرداخته است.

۴- مضامین مذهبی

بسیاری از دوستداران شعر معاصر فارسی، شهریار را با شعرهای مذهبی اش می‌شناسد. غزل «همای رحمت» و نیز مثنوی «شب و علی» در ردیف درخشان‌ترین اشعار فارسی استاد جای دارند. هرچند رویکرد شهریار به شعر ترکی، بیشتر با هدف تثبیت زبان ادبی ترکی در ایران بود و او در شعرهای ترکی خود بیشتر به فرم و زبان توجه داشت تا مضمون و پیام، اما باور مذهبی استوارش از لابه لای شعرهای گونه‌گون به چشم می‌آید. در منظومه «حیدر بابایه سلام» هم شماربندهای حامل مفاهیم متعالی اعتقادی کم نیست. (شعر دوست، ۱۳۸۳: ۶۱)

خزان یئلی یارپاقلاری توکنده

بولوت داغدان ائنیب کنده چوکنده

شیخ الاسلام گوزل سسین چکنده

نیسگیلی سوز اورکلره ده یردی

آغا جلاردا آلاها باش ایردی (همان: ۵)

۵- یاد کرد شاعران متقدم و متأخر

در دیوان ترکی استاد شهریار از برخی شاعران متقدم و متأخر بسیار یاد شده است. از میان قدما به نام بزرگانی چون نظامی، سعدی، حافظ و فضولی برمی‌خوریم. در شعر «شاطر اوغلان»

ضمن امیدواری به اینکه آثار سعدی (و نیز مکتب ادبی او) همواره مورد توجه باشد، نگرانی خود را از سرنوشت مکتب ادبی نظامی و عدم استمرار پارسی گویی در آن سامان باز می‌سراید:

سعدی نین باغ گلستانی گرگ حشره قدر

آلماسی سلله له نیب خرماسی زنبیل له نسین

لعت اول باد خزانه کی نظامی باغی نین

بیریا واگولسبرین قویمادی کاکیل له نسین (همان: ۱۱۱)

۶- یاد یاران و خویشان

در دیوان ترکی استاد، شعرهایی خطاب به برخی از دوستان و خویشاوندان شاعر و یا در فراق ورثای آنان آمده است. از این منظر دیوان ترکی شهیار را می‌توان دفتر صمیمانه‌ای دانست که اخوانیت شاعر در آن جای ویژه‌ای دارند. استاد شهیار، شعر آزاد «خان ننه» را در رثای مادر بزرگش سروده است. در این شعر که به سال ۱۳۵۵ (درهفتاد سالگی شهیار) نوشته شده، او به خاطرات سال‌های کودکی رجعت می‌کند؛ سال‌هایی که در روستای خشک‌ناب، در کنار مادر بزرگ سپری کرده بود. شاید بتوان گفت شعر «خان ننه» از سوزناکترین اشعار ترکی شهیار است: (کاوین پور، ۱۳۷۵: ۷۸)

«خان ننه» هایاندا قالدین

بئله باشیوا دولاننام

نئجه من سنی ایتیردیم!

... خان ننه جانیم، نولایدی

سنی بیرده من تاپایدیم

اوآیاقلار اوسته، بیرده

دوشه نیب بیر آغلیا ایدیم

قولو حلقه سالمیش ایپ تک

کی داها گند نمه بیدین... (همان: ۱۸۷)

قالب، وزن و قافیه در اشعار ترکی شهریار

قالب‌ها

اشعار ترکی شهریار همانند اشعار فارسی وی از نظر گونه گونی انواع و قالب‌ها قابل تأمل است. چیرگی و استادی شاعر در همه قالب‌ها و گونه‌های شعر، موجب شد، او به اقتضای حال و مقام مناسب‌ترین قالب و گونه را برگزیند. شاعر افزون بر قالب‌هایی چون ترکیب‌بند، قطعه، مثنوی، مستزاد و ... به انواع شعر ترکی مانند قوشما، بایاتی و گرایلی نیز نظر داشته است.

۱ ترکیب و ترجیع بند

منظومه «سلام بر حیدر بابا» که از حدود ۱۲۵ بند پنج مصرعی تشکیل شده در این قالب سروده شده است. سه مصراع نخست هر بند در یک قافیه و بیت واسطه نیز قافیه‌های مستقل دارد. اگر از منظری دیگر بنگریم به اعتبار قالب ترکیب بند و وزن یازده هجایی باید حیدر بابا را یک قوشما بدانیم. (میرمحمدی، ۱۳۷۷: ۱۱۳)

حیدر باباگون دالیوی داغلا سین

اوزون گولسون بولاقلارون آغلا سین

اوشلاقلارون بیردسته گول باغلا سین

یئل گلنده و وئرگتیرسیین بویانا

بلکه منیم باتمیش بختیم اویانا (همان: ۲)

اکثر ترکیب بندهای ترکی شهریار- مانند حیدر بابا- مخمس ترکیب‌اند. بی‌شک تجربه گرانسنگی چون منظومه حیدر بابا، سرودن در قالب ترکیب بند- اعم از یازده هجایی (قوشما) و هشت هجایی (گرایلی)- را برای شاعر آسان‌تر کرده است. استاد شهریار به عنوان نماینده شعر معاصر فارسی و ترکی، قالبی میانه را که هم برای مخاطبانی که با سنت‌های شعر ترکی آشنایی چندانی ندارند و هم برای مخاطبانی که با سنت‌های شعر فارسی بیگانه‌اند، نامانوس نباشد، برگزیده است. قالب ترجیع بند نیز که همچون ترکیب بند قرابت‌هایی با قوالب و گونه‌های شعر ترکی دارد، گه‌گاه در اشعار ترکی مورد توجه شاعر بوده است (برای برادرم سلیمان رستم، برای شاعر سرعین، آنجلا) ترجیع بندهای یازده هجایی و هشت هجایی شاعر، همانند ترکیب‌بندها، باید قوشما و گرایلی محسوب شوند.

بیزی یاندریر یامان آیریلیق

بو داریخدیران دومان آیریلیق

باشا ساوورور سامان آیریلیق
 آمان آیریلیق، آمان آیریلیق
 آمان آیریلیق، آمان آیریلیق
 بیر گوزون آچار، بیر گوزون یومار
 ارازی سرین گوردو کده اومار
 خزری درین گورو کجه جومار
 فان در یاسینا جومان آیریلیق
 آمان آیریلیق، آمان آیریلیق (همان: ۷۹)

۲- غزل

شهریار، در عرصه شعر فارسی، به عنوان شاعری غزل پرداز شناخته می شود. اما در شعرهای ترکی اش، با توجه به ذوق مخاطبان ترک زبان، از قالب‌هایی که با قالب شعر شفاهی آذربایجان قرابت دارند (ترکیب بند، ترجیع بند و...) بیشتر از قالب غزل استفاده کرده است. در دیوان ترکی هم به غزل‌هایی مانند برای آنکه از آن سو آمده، چشمم روشن، خاطره بهجت آباد، نمازکلیسا، مرو ای دختر ترسا، صدای زمان، زبان ترک، اندوه قلیانم را فرا گرفت، دلم در سینه دست و پا می زند، تقدیم به روح خازن... برمی خوریم.

۳- قطعه

قطعه از پربسامدترین قالب‌های دیوان ترکی شهریار به شمار است. رحلت ختم رسل (ص) نحوه حسین (ع) (تضمین)، جان رستم (برای رستم علی اف)، جواب شهریار (به محمد رحیم)، حکیمه جان (برای حکیمه بلوری)، پروانه و شمع، آفرینش، عمرت چه سان گذشت؟ شاعر بزرگ ما فضولی، اسب تا زنده، حاشیه‌ای بر شعر اصلی و کرم، خروس صابر، حکایت هجوم اشباح، مجنون، قاصد یار و... از آن جمله‌اند.

۵- بایاتی

بایاتی هم به عنوان پرکاربردترین گونه شعر شفاهی ترکی ایرانی، از نظر شاعر حیدر بابا دور نمانده است. از میان قطعات دوبیتی که در دیوان زیرعنوان «اشک هایم» و شایسته تر بود جدا از پاره‌های دیگر، که با توجه به وحدت موضوع و وزن می‌توانند چهار پاره‌ای را تشکیل دهند، در صفحه‌ای دیگر جای می‌گیرد.

اوزوگوم قاش سیز قالدی
 چمنیم قوشسوز قالدی
 آی آمان «اقبال» گتندی
 عشق تاجی باش سیز قالدی
 یاری کاش گورمه یه یدیم
 گونی خوش گورمه یه یدیم
 گنده یدیم اوننان بیله
 یئرین بوش گورم یه یدیم (همان: ۱۶۳)

اشعار نو آزاد

شعر سهندم که بیشتر با عنوان سهندیه شناخته می‌شود، شعری است در قالب نو. این شعر بلند هم از نظر حجم و هم از نظر قوت، مثال زدنی است. شهریار علاوه بر سهندم دو شعر دیگر نیز در قالب آزاد دارد (شعرهای خان ننه و سرنوشت من) شعر خان ننه با وجود تساوی مصراع‌ها، فاقد قافیه است. پاره‌ای از شعر سرنوشت من:

آیلاندا دا ایندیلر یوخودان
 هوش آذیب، تنز تاپانمیرام نوزومی
 بیلیمیرم هاردایام، بوراها رادیر
 ائو- ائشیک، یادگلیر هله گوزومه
 ائله بیل قالمیشام کئچنلرده (همان: ۱۲۲)

۴- آرایه های بدیعی

شاعر از میان صنایع معنوی به تشبیه، استعاره، تشخیص، تمثیل، تلمیح، تضاد، به عنوان عوامل تصویر ساز توجه ویژه دارد. البته در دیوان ترکی شهریار برای اکثر آرایه‌های معنوی می‌توان مصادیق و نمونه‌هایی یافت. اما حرکت خیال و تکوین تصویر در اشعار ترکی او بیشتر متکی به صنایع پیش گفته است. تشبیه و صنایع وابسته به آن (استعاره و تشخیص و...) همچون اشعار فارسی در اینجا نیز محرک اصلی خیال در حرکت به سوی تصاویر و ایمازهای تازه و بدیع می‌باشد.

تشبیه مطلق

یاشیل گؤزلر چراغ تکین یاناردی
 گؤیر چینلر دسته قالخیب اوچارلار
 بو دؤشلرده قوزولاری یایاردیق
 آخما سینلار اولدوز تکین سایاردیق (همان: ۲۰، ۲۵ و ۳۷)

تشبیه مرکب:

بیچین اوستو، سونبول بیچین اوراقلار
 ائله بیل کی، زولفو دارار داراقلار (همان: ۶)

تشبیه جمع:

مجدالسنادات گولردی باغلار کیمی
 گورولداری، بولودلو داغلار کیمی
 سوز آغزیندا اریردی یاغلار کیمی... (همان: ۲۰)

تشبیه مجمل:

سن بو مهتاب گنجه سی سیره چیخان بیر سو اول

تشبیه موکد:

اذن وئر، من ده دالینجا سورونوب سایه گلیم (همان: ۱۰۴)

استعاره مرشحه:

باشدان آج یایلیغی افشان ائله سوسن، سونبول
 سن بیزیم بایرامیمیز سان، قیشی یازائیله میسن (همان: ۱۰۱)

استعاره مصرحه:

آغ گویرچین، آغ قانادین آچارسان
 دام- دیواردان بیر قوو زانیب اوچارسان
 اولدوز لانیب با کی دئیه قاچارسان... (همان: ۴۷)

استعاره مکنیه:

روزگارین دگیرمانی فیرلانیر
 مخلوق اونون دیشلرینه توللانیر... (همان: ۳۳)

از ویژگی‌هایی که شهریار را به سبک هندی پیوند می‌دهد، توجه ویژه‌اش به دو صنعت تشخیص و تمثیل است. مخاطب شاعر در منظومه‌های «سلام بر حیدر بابا» و «سهندیه» کوه‌های حیدر بابا و سهند است. بی‌شک مخاطب قرار دادن دو کوه همچون دو انسان-بستر مناسبی برای بروز صنعت تشخیص فراهم می‌کند، در منظومه حیدر بابا شاهد قدرت کم نظیر شهریار در به کارگیری صنعت تشخیص هستیم، به گونه‌ای که بسیاری از خوانندگان حیدر بابا هنوز تصور می‌کنند این منظومه برای پیرمردی روشن ضمیر و فرزانه سروده شده است و نه یک کوه! نمونه‌های بسیاری از انواع جناس در شعرهای ترکی شهریار به چشم می‌آید. جناس زاید و مذیل پربسامدترین گونه جناس در دیوان ترکی شاعر است. جناس زاید که در آن یکی از کلمات متجانس را حرف یا حروفی بر دیگری زیادت باشد، معمولاً برآیند تصنع و تکلف نیست، بلکه ذهن شاعرانه‌ای که به موسیقی حروف مانوس باشد، در جریان روان و طبیعی شعر، ناخودآگاه به واژه‌هایی که میان آنها تجانس لفظی و موسیقایی هست، می‌گراید. به عبارت درست‌تر، با خطوط هر واژه‌ای به ذهن شاعر، ذهن آهنگین او بلافاصله، به سراغ کلماتی متجانس با آن می‌رود؛ با توجه به تسلط کم مانند استاد شهریار به وزن و آهنگ شعر، در شعرهای او به نمونه‌های پر شماری از جناس زاید بر می‌خوریم.

آغرین آلیم، منیم باغریم چاتلادی (همان: ۵۴)

هله لیک غم سارالارکن، قارالار دؤندو آغ اولدو

آرازین سود گؤلر داشدی قایا لیقاردا باغ اولدو (همان: ۶۹)

جناس مرکب:

اولدوز سایاراق گوزله میشم هر گنجه یاری

گنچ گلمهده دیر یاریئنه اولموش گنجه یاری (همان: ۹۹)

جناس زاید و مضارع:

شیر دیرشهریارین شعری، الینده شمشیر (همان: ۱۰۵)

جناس لاحق:

آرازی سرین گؤردوکده اومار

خزری درین گؤردوکجه جومار (همان: ۷۹)

جناس مطرف:

قارا بختین یننه اوزو آغ اولسون

یاردای بیزدن یاد ائله ییب ساغ اولسون (همان: ۴۷)

جناس محرف:

من عشیران اوخوسام، پنجه عراق اوسته گزر

گوزلیم ترک اولالی ترک حجازائیله میسن (همان: ۱۰۲)

جناس شبه اشتقاق:

اونو ییزدن آیردی روزگارین سازنا سازی

اونونچون سیزلارام، هریرده گورسم ساز چالان واردیر (همان: ۸۱)

جناس اشتقاق:

تورکی الله آنالار اوخشایی، لایلی دیلی دیر

دردیمن من بو دوا ایله مداوا ائله دیم (همان: ۲۳۵)

دیوان ترکی شهریارمشحون از آرایه های لفظی و معنایی گوناگون است، اما همانگونه که پیشتر نیز اشارت رفت، این صنایع به قدری طبیعی اند که اغلب در نظر نخست به چشم و ذهن نمی آیند و جز با خواندن های مکرر این ظرافت ها و ظرفیت های بدیعی را نمی توان دریافت. همین ویژگی کم مانند است که در پایان هر شعری از شهریار، مخاطب را به آغاز ارجاع می دهد و ذهن او را در ابتدای شعر مستقر می کند.

نتیجه گیری

شهریار با اکثر ملّت‌ها سخن گفته است که ترجمه حیدر بابا به زبان‌های مختلف یکی از این موفقیت می‌باشد. شهریار و شعر شهریار، بخشی از فرهنگ و هنر و ادب معاصر ماست، او سراینده دوستی و آشنایی‌هاست. شعر شهریار با توجه به سنت‌های ادبی، فقط به استفاده از اوزان و قالب‌های شعر کهن محدود نمی‌شود، بلکه او از آرایه‌های لفظی و معنوی هم استادانه بهره می‌گیرد. در دیوان ترکی شهریار اکثر صنایع لفظی و معنوی کمابیش به کار گرفته شده‌اند. سهندیه و غزل‌ها از این نظر پربارتر از اشعار دیگر شاعرند. طبیعی است که شهریار در منظومه فولکلوریک «سلام بر حیدر بابا» و برخی اشعار دیگری که به گونه‌ای از حال و هوای حیدر بابا متأثرند، آگاهانه از صنعت‌گری بیشتر احتراز کرده است. البته این بدین معنا نیست که حیدر بابا عاری از آرایه‌هاست. اعتقاد شهریار بر این است که صنایع ادبی باید به صورت طبیعی در شعر حضور یابند و گرنه به شکل‌گیری یک تصویر پویا و طبیعی منجر نخواهند شد. شهریار شاعری صاحب سبک است و از کسی تقلید نمی‌کرد. طیف مخاطبان شهریار در میان شاعران معاصر از ضریب بالایی برخوردار است. به طور قطع و یقین می‌توان گفت شهریار، بیشترین مخاطبان را در شعر معاصر داراست.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- پیرمحمدی، ناصر، (۱۳۷۷)، *آخرین سلطان عشق*، قم. انتشارات دارالنشر اسلامی، چاپ دوم.
- ۲- زاهدی، لطف الله، (۱۳۳۷)، *بیوگرافی استاد شهریار، تهران و تبریز*، انتشارات نگاه زرین، چاپ دهم.
- ۳- زهری، علی، (۱۳۷۴)، *به جای مقدمه*، تهران و تبریز، انتشارات نگاه زرین.
- ۴- شعر دوست، علی اصغر، (۱۳۸۳)، *شهریار و شعر ترکی*، انتشارات شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- ۵- شهریار، محمدحسین، (۱۳۸۷)، *دیوان شهریار*، انتشارات زرین، چاپ ۳۲.
- ۶- کاویان پور، احمد، (۱۳۷۵)، *زندگانی اجتماعی و ادبی استاد شهریار*، تهران، نشر اقبال.
- ۷- علیزاده، جمشید، (۱۳۷۹)، *گفتگو با شهریار*، تهران، انتشارات نگاه، چاپ اول.
- ۸- خردی، اصغر، (۱۳۷۲)، *شهریار و انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ اول.
- ۹- مرتضوی، منوچهر، (۱۳۷۴)، *مقدمه تهران و تبریز*، انتشارات نگاه زرین، چاپ دهم.
- ۱۰- منزوی، حسین، (۱۳۷۲)، *ترک پارسی گوی*، تهران، انتشارات برگ.
- ۱۱- وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۸۲)، *تاریخ ادبیات ایران ۲*، تهران، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی ایران.